

۸۱. عدالت خداوند

عدالت خداوند یکی از اساسی ترین مطالب کتب مقدس می باشد. حضرت داود می فرماید: «آسمانها گواهند که خود خداوند داور است و با عدالت داوری میکند.» (مزمور ۶:۵۰). ارمیا نبی نیز می فرماید: «در آن روزها، اهالی یهودا و اورشلیم در آسایش و امنیت زندگی خواهند کرد و این شهر "خداوند عدالت ما" نامیده خواهد شد!» (ارمیا ۱۶:۳۳).

خدای لایتناهی انسان را مقدس و کامل آفرید و بوی قدرت انتخاب داد. دادن فرصت عبادت با آزادی کامل و محبت از امتیازات گرانبهای او بود. همین موضوع که آزادی انتخاب و اختیار رأی، بانسان داده شد دلیل بر آن است که عکس قضیه نیز صادق است. یعنی امکان تخلف و گناه نیز وجود دارد. با ارتکاب به گناه، انسان خود را از خداوند جدا کرد. این جدائی شامل اخراج از عدن و ادامه تخلف در دنیای متمدن و شریک است. بازگشت قانونی به فردوس خداوند مشروط به یکی از سه حالت است: اول: خداوند باید معیار قوانین خود را مورد تجدید نظر قرار دهد. دوم: انسان بنحوی باید در محیط گناه آلود جهانی دوباره کامل و بیگناه گردد. و سوم: هر دو (خدا و انسان) بایستن مقداری از سلطه خود را از دست بدهند. از این سه حالت اولی غیر قابل قبول است زیرا که خداوند ضرورت ورود به برنده می شود. حالت سوم نیز مقبول نیست زیرا که اگر خداوند قانون خود را میشکست نابودی بشر بدست

شیطان حتمی می شد. بنابراین حالت دوم یگانه جواب مشکل است، ولی آن نیز سؤال دیگری پیش می آورد که انسان و محیطش چگونه ممکن است دوباره کامل شوند و شایسته معاشرت با ملائکه مقدس در فردوس خدا گردند؟

وضع انسان را می شود به شخصی تشبیه کرد که در چاهی افتاده از ته چاه به بالا نگاه می کند و می خواهد بیرون بیاید. حتی تصمیم بیرون آمدن را دارد ولی هرچه تلاش میکند می بیند که نمی تواند از چاه خارج شود. به نیروی کمکی خارج از نیروی خود محتاج است. در ذات خود این قدرت وجود ندارد و در محیط خود امید نجات برایش نیست. وضع روحانی انسان عیناً همانطور است. انسان در چاه گناه فرو رفته از آن محیط رقت بار خود به بالا نگریسته قدوسیت و پاکی خداوند را ملاحظه میکند و معصومیت سابق خود را بیاد می آورد. او می خواهد از قید گناه آزاد شود و تصمیم می گیرد که خود را خلاص کند ولی هرچه بیشتر تلاش می کند می بیند که مثل شخص فرومانده در چاه رهایی برایش مقدور نیست. صد در صد خلاصی و نجات او باید از نیروئی بالاتر از خود سرچشمه گیرد. شکر خدایرا که از طریق محبت راهی برای نجات بشر پیدا کرد. خدا عادل است و در محبت بیکران خود انسان را به هوا و هوس خود وا نمیگذارد. مزبور نویس می فرماید: «رحمت و راستی باهم ملاقات کرده اند، عدالت و صلح یکدیگر را بوسیده اند!» (مزبور ۸۵: ۱۰). «خداوند تخت فرمانروایی تو را جاودانی کرده است. تو با عدل و انصاف سلطنت میکنی. عدالت را دوست داری و از شرارت

همه گناه کرده اند

همه مردم تحت همان وضع می باشند. بدون استثناً نوع بشر بچاه گناهی که حضرت آدم و حوا در آن افتادند، سقوط نموده اند. مکتوبست که «همه گناه کرده اند و هیچ کس به آن کمال مطلوب و پر جلال که خدا انتظار دارد نرسیده است.» (رومیان ۳:۲۳).

سؤال بالا دوباره پیش می آید - حالا که همه گناه کرده اند و از جلال خدا غافل مانده اند چطور ممکن است انسان بیچاره و مقصر به محیط پاک فردوس وارد شود؟ اگر قاضی شهر شخص متخلف را بدون جرم آزاد کند عدالت سرنگون و نابود می گردد و داد کسی ستانده نمی شود. ملت برعلیه چنین داوری قیام کرده، هیچ کدام از حکمهای قاضی قابل اطمینان و اعتماد مردم قرار نمی گیرد. اگر قاضی مذکور تمام دوستانش را آزاد و دشمنان خود را مقصر نماید، دیگر اعتباری برای دستگاه عدالت باقی نمی ماند. برعکس این امر داور عادل همیشه حکم را مطابق با قانون کشور صادر می کند.

شخصی می گوید امور روحانی طور دیگری است - خداوند هر چه بخواهد می تواند بکند - او گناهکار را می بخشد. آری او می بخشد ولی به چه قیمتی. از نقطه نظر کتاب مقدس بخشش بدون جزا، تباهی و سرنگونی شریعت و نابودی

عدالت محسوب میشود. حکم کتب واضحست: «مزد (یا نتیجه) گناه موت است. اما نعمت خدا حیات جاودانی» (رومیان ۶:۲۳).

عودت دادن انسان به باغ عدن بدون اینکه خصلت گناه آلود وی عوض بشود، یعنی بدون اینکه دین خود را ادا نماید، محال است وگرنه گناه دائمی در فردوس رواج می یافت. نبی می فرماید: «خدا انسان نیست که دروغ بگوید و از بنی آدم نیست که به اراده خود تغییر بدهد. آیا او سخنی گفته باشد و نکند، یا چیزی فرموده باشد و استوار ننماید؟» (اعداد ۲۳:۱۹).

خداوند یک روز که بگوید «هر که گناه کند او خواهد مرد» (حزقیال ۲۰:۱۸)، آیا ممکن است فردا بگوید: «فکرم را عوض کردم» یا «اشتباه کردم، گناهکار نخواهد مرد؟» حاشا. حضرت داود فرمود «رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا ابد الابد است و عدالت او بر فرزندان آنانی که عهد او را حفظ میکنند و فرایض او را یاد می دارند تا آنها را بجا آورند.» (مزمور ۱۰۳:۱۷ و ۱۸).

وظیفه ما این است که رحم و شفقت خدا را یاد کنیم و با قدرتی که میبخشد با قوانین آسمانی هماهنگی بعمل آوریم. برنامه آینده ما راجع به بخشش عظیم خدا میباشد. خدا حافظ شما.